

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۷، پیاپی ۱۱۷، پاییز ۱۳۹۴

تحلیل واکنش امامان شیعه (ع) به غلو در امامت

طاهره ناصری^۱
علی محمد ولوی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۴

تاریخ تصویب: ۹۴/۱/۲۳

چکیده

قریب به ۱۵۰۰ سال تاریخ اسلام، بیانگر آسیب‌های فراوانی است که به دلیل غالیان و رواج اندیشه‌های غالیانه متوجه این دین شده است. اینکه غلو چیست و شاخصه‌های آن کدام‌اند، سبب بحث‌ها و چالش‌های فراوانی شده است و می‌شود. از جمله بهترین افرادی که می‌توانند شاخصه‌های دقیقی برای این پدیده حساس دینی، مشخص و نحوه برخورد با آن را تعیین کنند، معصومین (ع) هستند. ایشان درباره ورود اندیشه‌های غالیانه در بدنه جامعه شیعی، در کلام و رفتار واکنش‌هایی نشان داده‌اند که با تکیه بر مجموعه این رهنمودها می‌توان به شاخصه‌هایی برای تمیز گفتمان غلو و نفوذ آن در منابع

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء؛ t_nasiri114@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهراء؛ v.am144@yahoo.com

شیعه دست یافت. گونه‌شناسی غلو به اعتبار قضاوت‌های معصومین (ع) درباره اندیشه‌های غالیانه در امامت و حساسیت‌های نظری و عملی ایشان از جمله مباحثی است که در مقاله حاضر مورد توجه قرار گرفته است. روایاتی که از غالیان به عنوان بدترین مردم یاد کرده‌اند، یا از برابری غلو با کفر، شرک، ضلالت و گمراهی سخن گفته‌اند، حساسیت درباره این پدیده را نشان می‌دهد. در این پژوهش با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای (بنیادی) با رویکردی توصیفی از طریق کدگذاری، مقوله‌بندی داده‌ها و مقایسه مقوله‌ها و مضامین، به یافتن شاخصه‌های غلو در سنت و سیره معصومین (ع) و تبیین نوع واکنش ایشان اقدام شده است. داده‌ها در دو جدول مهم سامان‌دهی شده‌اند که نتیجه آن می‌تواند زمینه‌ساز تولید فرهنگ مبارزه با غلو در ابعاد گوناگون باشد.

واژه‌های کلیدی: باز کاوی، موضع (سنت و سیره)،

معصومین (ع)، غلو، شاخصه‌های غلو.

۱. مقدمه

پیدایش گروهی در میان شیعیان که به غالی مشهور شده و به غلو در مبحث امامت پرداخته‌اند، واکنش‌هایی از ائمه (ع) - در ابعاد نظری و عملی - به دنبال داشته است. تأمل در سنت و سیره این بزرگواران می‌تواند محققان را در شناخت و تبیین پدیده غلو و شناخت شاخصه‌های آن یاری دهد.

اصل واکنش ائمه (ع) در مقابل غالیان، موضوعی بدیهی است و نشانه‌های فراوانی از این موضوع را می‌توان در آثار گوناگون آن‌ها یافت. ایشان قرآن و روایات صحیح را به عنوان معیار معرفی کرده و مغایرت با آموزه‌های این دو را دلیل محکمی بر باطل شمردن

ادعاها دانسته‌اند.^۱ از شیعه خواندن غالبان نیز خودداری کرده و سخنان آن‌ها را باطل کننده قرآن و بهشت و جهنم معرفی کرده‌اند.^۲ این موضوع می‌تواند انگیزه مهمی برای تبیین دقیق زوایای غلو برای محققان فراهم آورد.

توجه به شاخصه‌های مهم در تبیین پدیده غلو و شناخت سنخ‌های مختلف آن و تمسک به بهترین شیوه‌های مبارزه با عقاید غالیانه که معصومین (ع) به کار گرفته‌اند، در پژوهش حاضر اهمیت فراوانی دارد. کلام و رفتار ائمه (ع) یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها در تبیین سنخ‌های مختلف غلو و یافتن بهترین شیوه برخورد با آن‌ها در نظر گرفته شده است.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با به کارگیری روش نظریه بنیادی (زمینه‌ای)^۳ براساس صورت‌بندی الگوی اشتراوس و کوربین^۴، به بررسی ابعاد غلو در روایات معصومین (ع) می‌پردازد. براساس این روش، داده‌ها و اسناد گوناگون در سنت و سیره رسول خدا (ص) و ائمه (ع) گردآوری و کدگذاری می‌شوند. ارائه تفسیر با توجه به مضامین و مقوله‌ها و تحقیق و کشف ارتباط بین آن‌ها، از اقدامات مهم در این تحقیق به‌شمار می‌رود.

حساسیت نظری در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات و تمرکز بر مفاهیم تفکر استقرایی و قیاسی با ایجاد مفاهیم و مقولات و کشف روابط موجود بین آن‌ها و همچنین، آزمون آن‌ها و استفاده از تکنیک در پرائتزگذاری از ویژگی‌های این نوع پژوهش است. نمونه‌گیری نظری که در آن تمرکز اساسی بر ایده‌هاست و نه افراد، و اشباع نظری که پژوهشگر را نسبت به تبیین نظری پژوهش مطمئن می‌کند، از مراحل اصلی است که پس از فرآیند اول باید طی شود.

۱. برقی، المحاسن، ص ۱۴۷؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، صص ۸-۹؛ کمره‌ای، آراء ائمه الشیعه فی الغلاة، صص ۱۷۰-۱۷۱.

۲. ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۱، ص ۶۰۹.

3. Grounded Theory

4. Strauss & Corbin, *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*, P.140

با استفاده از این روش، سنخ‌های مختلف غلو با توجه به موضع‌گیری‌های حضرات معصومین (ع) شناخته خواهد شد و رهنمودهای ایشان در برخورد با غلو، به‌شکلی سازمان‌یافته‌تر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، منابع شیعه در بازه زمانی قرن سوم تا پنجم هجری قمری و پایان دوره شیخ طوسی (ع) بوده است.

۳. متن گزاره‌ها در احادیث معصومین (ع)

احادیث و اخبار موجود در منابع شیعه درباره موضوع غلو برای شناخت شاخصه‌ها و حکم صادرشده از ناحیه معصومین بر مبنای روش نظریه بنیادی در دو جدول زیر تنظیم و بررسی شده‌اند.

جدول ۱-۳. شناخت شاخصه‌های غلو

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
۱. صفات امام	۱. کان علی لیاکل اکل العبد و یجلس جلسه العبد. ^۱	علی مانند بندگان می‌خورد و می‌نشست.	معرفی ائمه به‌عنوان انسان‌های عادی.	مقابله با اعتقاد به صفات ماورایی.	۱
	۲. ان الله عنده علم الساعه و ينزل الغيث و يعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا تدری نفس بأی ارض تموت ان الله. خبير ماکان محمد يدعی ما ادعیته. ^۲	محمد (ص) نیز ادعای تسلط بر علم به ساعت قیامت، نزول باران، جنسیت فرزند، وضعیت در قیامت و مکان مرگ را که نزد خداست، نداشت.	علم به مسائلی مختص به خداست که پیامبر نیز از آن مطلع نیست.	رد ادعای علم مطلق پیامبر (ص) در علوم مختص به خدا.	۳

۱. ابن بابویه، *المالی*، ص ۲۸۱.

۲. همان، صص ۴۱۵-۴۱۶؛ همان، *الخصال*، ج ۱، ص ۲۹۰؛ کراچکی، *معادن الجواهر*، ص ۴۸.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۳. فطرهم (الناس) جميعاً علی التوحید. ^۱ [...] فطرهم علی المعرفة به. ^۲ [...] کل مولود یولد علی الفطره یعنی المعرفة بان الله عزوجل خالقه. ^۳	فطرت همه مردم بر توحید است و هر فرزندی با معرفت به خدا متولد می شود.	وجود فطرت واحد در همه انسان ها و برابری در خلقت.	برابری انسان ها در آفرینش.	۹
	۴. اما المحدث فهو الذی یسمع کلام الملك و لایراه فی المنام ^۴ [...] نحن اثنی عشر محدثاً ^۵ [...] الائمة علماء [...] مفهمون محدثون. ^۶	محدث کلام فرشته را می شنود؛ اما توانایی دیدن فرشته را ندارد و ائمه محدث اند.	توانایی ائمه در استماع کلام ملائک و قدرت نداشتن ائمه در رؤیت فرشتگان.	رؤیت فرشتگان نمی تواند از کرامات ائمه باشد.	۶۵
	۵. کذا (علم بالحلال و الحرام و فصل بین الناس) علم القرآن و الحلال و الحرام یصیر فی جنب العلم یحدث فی الليل و النهار. ^۷	علم به حلال و حرام و تمییز بین مردم، علم قرآن و... در هر شب و روز حادث می شود.	علم ائمه به حلال و حرام و علم به قرآن حادث است.	حدوث علم ائمه (ع).	۲

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۰؛ ابن بابویه، التوحید، صص ۳۲۸-۳۲۹.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۰.

۳. همان، صص ۲۰-۲۱؛ ابن بابویه، التوحید، ص ۳۳۱.

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۲۴۸-۲۵۰ و ۳۶۲؛ ابن صفار، بصائر الدرجات، صص ۴۸۲-۴۸۸؛ مفید، اختصاص، ۳۲۹؛ طوسی، الامالی، ص ۲۴۵.

۵. کلینی، اصول کافی، ج ۲، صص ۴۷۸-۴۸۴.

۶. طوسی، امالی، ص ۲۴۵.

۷. مفید، اختصاص، ص ۳۱۴.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوانی
	۶. (آیا امام علم غیب دارد؟) لا ولكن اذا اراد ان يعلم الشی اعلمه الله ذلك. ^۱	امام علم غیب ندارد؛ اما اگر بخواهد خدا او را عالم می کند.	انکار علم غیب ائمه.	نفی علم غیب استقلالی ائمه (ع).	۶
	۷. یا عجبا لا قوام یزعمون انا نعلم الغیب ما یعلم الغیب الا الله عزوجل لقد هممت بضرب جاریتی فلانه فہربت منی فما علمت فی ای بیوت الدار هی؟ ^۲	تعجب می کنم از اقوال مردمی که گمان می کنند ما علم غیب داریم.	ائمه علم غیب ندارند و فقط خدا از غیب مطلع است.	نفی علم غیب ائمه.	۳
	۸. یبسط لنا العلم فنعلم و یقبض عنا فلا نعلم. ^۳	به دلیل قبض و بسط در علم ائمه (ع)، ایشان به برخی امور علم ندارند.	تغییر علم ائمه (ع) درباره مسائل.	به دلیل قبض، علم ائمه (ع) همیشگی و مطلق نیست.	۵
	۹. علمت ذلك (علم ما فی السماوات و ...) من کتاب الله ^۴ [علم الكتاب والله كله عندنا]. ^۵	علم ائمه (ع) نسبت به آسمانها و زمین و... از کتاب خداست.	منشأ علم ائمه، کتاب خداست.	اکتسابی بودن علم امام و معرفی قرآن به عنوان منشأ علم ایشان.	≤
	۱۰. لقد علمنی رسول الله. ^۶	پیامبر به من آموزش می داد.	آموزش و تعلیم منشأ علم ائمه.	اکتسابی بودن علم امام.	۶

۱. ابن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۱۳؛ همان، ص ۵۷۳؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۳۸۰-۳۸۲؛ مفید، اختصاص، ص ۲۸۶.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۸؛ ابن صفار، بصائر الدرجات، صص ۲۸۱ و ۳۰۳.

۳. ابن صفار، بصائر الدرجات، ص ۶۶۸؛ کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۲۵۶ و ۳۷۷؛ ابن بابویه، الخصال، ص ۵۲۸.

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۷۹، ۸۰، ۳۳۳ و ۳۸۹؛ همان، ج ۲، ص ۲۵۰؛ ابن صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۵۷؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶؛ مفید، اختصاص، صص ۲۸۰-۲۸۱.

۵. کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۳۳۲، ۳۳۳ و ۳۷۹.

۶. ابن بابویه، الخصال، صص ۶۴۳-۶۴۶؛ همان، ص ۶۵۱؛ مفید، اختصاص، صص ۲۸۲-۲۸۵.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۱۱. ان الله علم رسوله الحرام و الحلال و التأویل فعلم رسول الله عليا ذلك كله [...] قد علمه الله عزوجل جميع ما انزل عليه من التنزيل و التأویل و ما كان الله لينزل عليه شيئاً لم يعلمه تأويله و اوصياءه من بعده يعلمونه كله. ^۲	علم به حلال و حرام و تأویل را. پیامبر از خدا آموخت و به علی یاد داد. ائمه نیز از این طریق صاحب علم شدند.	آموزش و تعلیم منشأ علم ائمه.	اكتسابی بودن علم امام.	۳۱
	۱۲. فلم يعلم والله رسول الله حرفا مما علمه الله عزوجل الا و قد علمه عليا ثم انتهى العلم اليها [...] ان علم على من علم رسول الله فعلمناه نحن فيما علمناه [...] . ^۴	پیامبر آنچه آموخت به علی آموزش داد و ائمه نیز از این طریق تعلیم دیدند.	آموزش و تعلیم منشأ علم ائمه.	اكتسابی بودن علم امام.	۳۲

۱. ابن صفار، بصائر الدرجات، صص ۳۸۰-۳۸۲؛ مفید، اختصاص، ص ۲۷۸.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۸.

۳. همان، ج ۱، صص ۸۳، ۳۴۵، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۸ و ۳۹۳؛ همان، ج ۲، صص ۶۰، ۶۳ و ۲۴۹؛ همان، ج ۳، ص ۳۹۳؛

ابن صفار، بصائر الدرجات، صص ۳۸۶، ۳۸۷ و ۵۱۲.

۴. مفید، اختصاص، صص ۲۷۹، ۳۱۲-۳۱۴؛ ابن بابویه، الخصال، صص ۲۵۷، ۶۴۳-۶۴۹ و ۶۵۱؛ رک. ابن شاذان،

الایضاح، ص ۴۶۱؛ ابن صفار، بصائر الدرجات، صص ۳۸۰-۳۸۲، ۳۸۰-۳۹۰، ۳۹۲-۳۹۷، ۳۹۷-۴۰۴، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۱۷؛

ابن بابویه، معانی الاخبار، صص ۱۳۹-۱۴۰؛ همان، علل الشرایع، صص ۲۷۳-۲۸۱.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوانی
	۱۳. ان الله عزوجل علمین: علم لا یعلمه الا هو و علم علمه ملائکته ورسله فما علمه ملائکته و رسله فنحن نعلمه ^۱ ان الله علمین علما مخزوناً مکنوناً لا یعلمه الا هو. ^۲	علم خدا دو نوع است که ائمه بر یک نوع آن تسلط دارند.	اختصاص برخی علوم به خدا.	محدودیت علم ائمه.	۹
	۱۴. اما جمله العلم فعندالله جل ذکره و اما لا یبد للعباد منه فعند الاوصیاء. ^۳	همه علم نزد خداست و علمی که برای مردم لازم است، نزد اوصیا.	علم امام در زمینه ضروریاتی است که مردم به آن نیاز دارند.	محدودیت علم ائمه.	۴
	۱۵. لو لا انا نزداد لانفدنا ^۴ [...] انما العلم ما یحدث باللیل والنهار یوم یوم و ساعه بالساعه. ^۵	ازدیاد علم ائمه هر روز و شب و هر ساعت اتفاق می افتد.	ازدیاد علم ائمه (ع) و تغییر آن.	حدوث علم ائمه.	۱۱
	۱۶. نحن عندنا من الاسم الاعظم اثنان و سبعون حرفاً و حرف واحد عندالله استأثر به فی علم غیب. ^۶	ائمه به ۷۲ حرف از ۷۳ حرف اسم اعظم تسلط دارند که آن یک حرف نزد خداست و به علم غیب مربوط است.	علم غیب مختص خداست.	محدودیت علم ائمه (ع).	۱۵

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۶؛ ابن بابویه، التوحید، ص ۴۴۴.

۲. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵۱؛ ابن صفار، بصائر الدرجات، صص ۱۷۲-۱۷۴.

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۴.

۵. همان، صص ۲۲۵، ۲۴۰، ۲۴۶، ۳۲۶، ۳۲۷ و ۳۴۶؛ ابن صفار، بصائر الدرجات، صص ۱۹۳-۱۹۴.

۶. کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۲۳۰ و ۳۳۴؛ همان، صص ۲۷۴-۲۷۷؛ شریف الرضی، خصائص الائمه، ص ۴۷؛ طبری،

دلایل الامامه، ص ۲۱۵.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوازی
	۱۷. انا لخزان الله فی سمانه و ارضه لا علی ذهب ولا علی فضه الا علی علمه. ^۱	امام خزانه دار علم خداست و نه خزانه دار طلا و نقره.	ائمه بر علم مسلط اند و نه بر گنج.	انکار تسلط ائمه بر گنج‌ها و ذخائر زمین.	۲
	۱۸. (سؤال از معجزه و اینکه حجت بر مردم چیست) العقل یعرف به الصادق علی الله فی صدقه و الکاذب علی الله فیکذبه. ^۲	امروز، عقل به جای معجزه، صادق را از کاذب می شناسد.	کارایی نداشتن معجزه در برخی زمان‌ها.	توصیه بر استفاده از عقل به جای معجزه در تشخیص حق.	۱
	۱۹. اللهم انی ابرأ الیک منا الحول و القوه فلا حول و لا قوه الا بک. ^۳	برائت ائمه از توانایی مستقل قائل شدن برای خود.	توانایی معجزه از آن خداست.	نفی قدرت مستقل برای امام در انجام معجزه.	۱
	۲۰. اللهم انا عبیدک و ابناء عبیدک لا نملک لانفسنا ضرا و لا نفعا و لا موتا و لا حیاة و لا نشورا. ^۴	ائمه، بندگان خدا و فرزندان بندگان اویند که هیچ تسلطی بر ضرر، نفع، حیات، مرگ و زندگی پس از مرگ ندارند.	اقرار به بندگی ائمه و انکار تسلط ایشان بر دفع ضرر و جلب منفعت.	نفی قدرت مستقل برای امام در دفع شرور.	۳
	۲۱. ما کان و ما هو کائن الی یوم القیامه کان فی علم الله. ^۵	علم به گذشته و آینده تا قیامت متعلق به خداست.	اختصاص برخی علوم به خدا.	محدودیت علم ائمه.	۱

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۸.

۳. ابن بابویه، الاعتقادات، ص ۹۹.

۴. همان جا؛ ر. ک. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۱۹۴.

۵. ابن بابویه، التوحید، ص ۱۳۵.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوانی
	۲۲. ان لله تعالی علما خاصا و علما عاما فاما العلم الخاص فالعلم الذی لم یطلع علیه ملائکته المقربین و انبیا و المرسلین. ^۱	از علم خاص خدا هیچ کس مطلع نیست.	اختصاص برخی علوم به خدا.	محدودیت علم ائمه.	۱
	۲۳. والامام یولد و یلد، یصح و یمرض، یا کل و یشرب، یبول و یتعوط، یفرح و یحزن، یضحک و یبکی، یموت و یقبر، یزاد فیعلم. ^۲	امام متولد می شود، بیمار می شود و بهبودی دارد. می خورد و می آشامد و ...	همانندی امام با سایر انسان ها در نیازهای جسمانی.	معرفی امام با ویژگی های عادی و معمولی.	۲
	۲۴. (هل عندکم شیء سوی الوحی؟) لا والذی فلق الجبه وبرأ النسمة الا ان یعطى الله فهما فی کتابه. ^۳	خداوند فهم کتابش را به ائمه عطا کرده است.	منشأ علم ائمه کتاب خداست.	علم امام اکتسابی است.	۱
	۲۵. بنی الاسلام علی عشر اسهم [...] و العصمه و هی الطاعه. ^۴	بنای اسلام بر ده چیز است [...] عصمت که اطاعت است.	معنای عصمت، اطاعت است.	عصمت با اطاعت کسب می شود.	۱
	۲۶. لا املک ما ارجو و لا اطبق دفع ما اکره [...] و لم یدخل مؤمن سرورا ینفرج عنه کرباء او یکشف عنه فاقته. ^۵	ائمه قادر به رفع شرور و برطرف کردن اندوه ها برای خود و دیگران نیستند.	محدودیت توانایی ائمه در دفع شرور.	نفی قدرت مستقل برای ائمه در دفع شرور.	۲

۱. همان، ص ۱۳۸؛ ابن صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۵۴.

۲. ابن بابویه، الخصال، ص ۵۲۸؛ همان، عیون اخبار الرضا، ج ۱. ص ۲۱۴.

۳. ابن شاذان، الايضاح، صص ۴۵۹-۴۶۱.

۴. طوسی، الامالی، ص ۴۴.

۵. همان، صص ۶۴۰-۶۴۱؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۹.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوایی
	۲۷. فکبر رسول الله فلم یحرر الحسین بالتکبیر. حتی سبع تکبیرات فاحار الحسین. ^۱	آموزش تکبیر به امام حسین (ع) توسط پیامبر.	آموزش و تعلیم منشأ علم ائمه.	علم امام اکتسابی است.	۱
	۲۸. هذا من المخیات مما علمنی رسول الله و امرنی ان اعلمه الحسن و الحسین. ^۲	آموزش علی توسط پیامبر و آموزش حسنین توسط علی.	آموزش و تعلیم منشأ علم ائمه.	علم امام اکتسابی است.	۱
	۲۹. ما من مؤمن الا وله باب یصعد منه عمله و باب ینزل منه رزقه فاذا مات بکیا علیه. ^۳	معنای بکاء آسمان در مرگ مؤمن بسته شدن باب هاست.	بیان معنی بکاء آسمان در وفات مؤمن.	بکاء آسمان به معنای حقیقی آن فقط برای امام نیست.	۱
	۳۰. تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک. ^۴	اطلاع خدا از منویات امام و بی اطلاعی امام از خواست خدا.	ائمه از منویات الهی مطلع نیستند.	محدودیت علم امام.	۱
	۳۱. لا تعرف الحق فهذاک الیه (و وجدک ضالا فهدی). ^۵	تو معرفتی به حق نداشتی و خداوند تو را هدایت کرد.	هدایت پیامبر به سوی شناخت حق.	اکتسابی بودن هدایت پیامبر و امام.	۱
	۳۲. لا شی علمه الله تعالی من حلال او حرام او امر او نهی او طاعه او معصیه او شی کان او یکون الا و قد علمتیه و اقرأنیه. ^۶	پیامبر علم به حلال و حرام و... را به علی آموزش داد.	آموزش و تعلیم منشأ علم ائمه.	اکتسابی بودن علم امام.	۱

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ص ۶۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۰۸.

۳. سید مرتضی، امالی، ج ۱، ص ۵۳.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۶.

۵. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۶۹.

۶. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۸۳؛ ابن بابویه، الاعتقادات، ص ۱۲۱.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۳۳. (قومی در کوفه که فکر می‌کنند پیامبر در نمازش سهو ندارد) فقال کذبوا لعنهم الله ان الذی لا یسهو هو الله الذی لا اله الا هو. ^۱	کسانی که به سهو پیامبر معتقد نیستند، دروغ می‌گویند. فقط خداست که سهو ندارد.	سهو در پیامبر راه دارد.	مقابله با تفکر سهو نداشتن پیامبر.	۱
	۳۴. (قومی در کوفه که حسین (ع) را زنده می‌دانند) فقال کذبوا علیهم غضب الله و لعنته و کفروا بتکذیبه. ^۲	لعن و غضب خدا بر کسانی که به تکذیب وفات امام حسین پرداختند.	برابری انکار وفات امام با کفر و گرفتاری به لعن و غضب خدا.	مقابله با تفکر انکار وفات امام.	۱
	۳۵. (در تفسیر آیه و ماتدری نفس ماذا تکسب غدا و ماتدری نفس بأی ارض تموت): من قدم الی قدم. ^۳	کسی از وضعیت خود در قیامت و مکان وفات خود خبر ندارد.	اطلاع نداشتن از سرنوشت اخروی و مرگ.	محدودیت علم امام.	۱
	۳۶. ان الشمس و القمر آیتان من آیات الله یجریان بتقدیره و ینتهیان الی امره و لاینکسفان لموت احد و لا لِحیاه احد. ^۴	خورشید و ماه در وفات یا ولادت کسی نمی‌گیرند.	تحولات فیزیکی در وفات افراد یا ولادت روی نمی‌دهد.	انکار تحولات فیزیکی در وفات امام.	۲

۱. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ص ۲۰۳.

۲. همان جا.

۳. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۴. برقی، المحاسن، ص ۲۱۸؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ص ۵۴۰.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوانی
	۳۷. اصبحت و لسی رب فوقی و النار امامی و الموت یطلبنی و الحساب محدد بی و انا مرتهن بعملی و لا اجد ما احب و لا ادفع ما اکره و الامور بید غیری فان شاء عذبنی و ان شاء عفا عنی فأی فقیر افقر منی. ^۱	حالت خوف و رجاء ائمه (ع) از وضعیت خود در قیامت و اقرار به ناتوانی در تغییر وضعیت.	اطلاع نداشتن از سرنوشت اخروی و ناتوانی در رفع عذاب.	محدودیت علم امام.	۲
	۳۸. (انهم یزعمون انک تعلم الغیب): سبحان الله ضع یدک علی رأسی فوالله ما بقیت شعره فیه و لا فی جسدی الا قامت ثم قال لا والله ما هی الا وراثه عن رسول الله. ^۲	ابراز انزجار از کسانی که علم غیب را به امام نسبت می دادند.	امام علم غیب ندارد.	نفی علم غیب ائمه.	۱
	۳۹. لیس علیها ان تقضی الصلاه و علیها ان تقضی صوم [...] ان رسول الله یأمر بذالک فاطمه (ع) و کانت تأمر بذالک المؤمنات. ^۳	قضای نماز و روزه بر زنان حائظ واجب نیست و این حکم درباره فاطمه نیز داده شد.	وجوب احکام و ویژه بانوان در گرفتاری های ماهیانه برای فاطمه.	همانندی فاطمه (س) در ویژگی های جسمانی با سایر زنان.	۱
	۴۰. (مریم) فلم تخرج من مسجد حتی بلغت فلما بلغت ما تبلغ النساء خرجت. ^۴	خروج مریم در زمان عادت ماهیانه از مسجد.	مریم (س) گرفتاری های خاص زنان را داشت.	همانندی مریم (س) با سایر زنان در ویژگی ها.	۱

۱. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۴؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۹.

۲. مفید، امالی، ص ۳۵.

۳. کلینی، الفروع من الکافی، صص ۱۰۴-۱۰۵.

۴. همان، ص ۱۰۵.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوانی
	۴۱. ان عشت رأیت منه رأیی و ان هلکت فأصنعوا به ما یصنع یقاتل النبی. ^۱	اگر زنده ماندم رأی مرا خواهید دانست و ...	اطلاع نداشتن از زمان مرگ یا شهادت.	محدودیت علم امام.	۷
	۴۲. ان عالمنا لا یعلم الغب. ^۲	عالم ما غیب نمی داند.	امام علم غیب ندارد.	نفی علم غیب امام.	۲
	۴۳. فانا كنا عند رسول الله فیخبرنا بالوحي. ^۳	خبر دادن رسول الله به ائمه از وحی.	کسب علم از طریق آموزش.	اکتسابی بودن علم امام.	۲
	۴۴. انا اعرف [...] و علم ذلك عند اهل بیتی و قد علمتها اهل بیتی. ^۴	رسول الله و آموزش به اهل بیت.	کسب علم از طریق آموزش.	اکتسابی بودن علم امام.	۲
	۴۵. ان الله تعالی لایسی و لایسهو و انما یسی و یسهو المخلوق المحدث. ^۵	تنها خداست که سهو و فراموشی ندارد.	سهو و نسیان در مخلوق راه دارد.	سهو نداشتن فقط به خدا اختصاص دارد.	۱
	۴۶. فانی لست فی نفسی بفوق ان اخطی و لا آمن ذلك من فعلی. ^۶	من مصون از خطا نیستم.	مصون از خطا نبودن امام.	امکان صدور خطا از امام.	۱

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷؛ مفید، الارشاد، ص ۲۵؛ حمیری، قرب الاسناد، ص ۶۷؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۶۶؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۷۶.
۲. ابن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۲۶.
۳. همان، ص ۱۹۰؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۴.
۴. ابن صفار، بصائر الدرجات، ص ۳۸۹.
۵. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۲۵.
۶. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوایی
	۴۷. ويحك انا احیی و امیت الله یحیی و یمیت. ^۱	ائمه قادر به زنده کردن یا میراندن افراد نیستند.	توانایی نداشتن ائمه در حیات بخشی یا مرگ افراد.	محدودیت توانایی ائمه در حیات بخشی.	۱
	۴۸. اللهم انی اصبحت و لا املک لنفسی خیر ما ارجولها و لا ادفع عنها شر ما احذر علیها و اصبحت الامور کلها بیدک و لا فقیرا افقر منی. ^۲	اظهار عجز امام در برابر خدا از دفع شرور.	توانایی نداشتن ائمه در دفع شرور.	محدودیت قدرت ائمه در دفع شرور.	۱
	۴۹. کم اطردت الايام ابیثها عن مکنون هذا الامر فابی الله الا اخفائه هیئات علم مخزون. ^۳	اشاره علی (ع) به تلاش بی نتیجه خود برای درک زمان مرگ.	بی اطلاعی امام از زمان مرگ.	محدودیت علم امام.	۱
	۵۰. (پیامبر در یکی از سریه‌ها) اللهم لاتمتی حتی ترینی علیاً. ^۴	دعای پیامبر برای زنده ماندن تا ملاقات علی.	بی اطلاعی پیامبر از زمان وفات خود.	محدودیت علم پیامبر و امام.	۱

۱. نعمانی، غیبت، ص ۳۲۷.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۹.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۸.

۴. کراجکی، کنز العوائد، ج ۱، ص ۲۹۶.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۵۱. مفاتیح الغیب خمسہ و هی لایعلم متی یأتی المطر الا الله عزوجل و لایعلم ما تغییض الارحام الا الله عزوجل و لایعلم ماتکسب غذا الا الله عزوجل و لایعلم نفس بای ارض تموت الا الله عزوجل و لایعلم متی تقوم الساعه الا الله تعالی. ^۱	زمان باران، جنسیت فرزند در ارحام، وضعیت فرد در قیامت، مکان وفات و زمان قیامت را فقط خدا می داند.	ذکر علمی که مختص خداست.	محدودیت علم امام.	۱
	۵۲. رب زدنی علماً. ^۲	دعای پیامبر برای ازدیاد علم	امکان افزایش علم پیامبر.	اکتسابی بودن علم پیامبر و امام.	۱
	۵۳. (علی خطاب به امام حسن) فانک اول ما خلقت خلقت جاهلاً ثم علمت و ما اکثر ما تجهل من الامر. ^۳	همه انسان‌ها جاهل به دنیا می‌آیند و به تدریج عالم می‌شوند.	عالم شدن امام نیز مانند همه انسان‌ها تدریجی است.	اکتسابی و تدریجی بودن علم پیامبر و امام.	۱

۱. کراچکی، معدن الجواهر، ص ۴۸.

۲. کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۴۵.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
۲. نقش و جایگاه امام	۱. ما اعجب اقوایل الناس فی علی کم بین من یقول انه رب المعبود و بین من یقول انه عبد عاص للمعبود. ^۱	ابراز تعجب از اقوال مقصره و غالیان در گناهکاری یا ادعای ربوبیت علی.	افراط و تفریط غالیان و مقصره در بیان جایگاه علی.	نفسی جایگاه ربوبی برای علی (ع).	۱
	۲. اللهم لا تلیق الربوبیه الا بک و لا تصلح الالهیه الا لک. ^۲	جایگاه ربوبی را فقط برای خدا می توان قائل شد.	ربوبیت فقط شایسته خداست.	نفسی جایگاه ربوبی برای غیر خدا.	۱
	۳. فان فینا اهل البیت فی کل خلف عدو لا ینفون عنه تحریف الغالین و انتحال المبطلین و تأویل الجاهلین. ^۳	نقش ائمه از بین بردن تحریفات غالیان و تأویل ناصحیح جاهلان است.	تأکید بر جایگاه علمی ائمه و وظیفه آنها در از بین بردن تحریفات غالیان.	نفسی غلو از وظایف ائمه است.	۲
	۴. انا لو کنا نحدثکم برأینا و هو انا لکنا من الهالکین. ^۴	اگر ائمه به رأی خود سخنی بگویند، هلاک می شوند.	ائمه از جانب خود فرمان نمی دهند.	نفسی قانون گذاری مستقل به ائمه.	۱

۱. ابن بابویه، *المالی*، ص ۱۰۲.

۲. همان، *الاعتقادات*، ص ۹۹.

۳. همان، ص ۳۹؛ مفید، *اختصاص*، ص ۴.

۴. مفید، *اختصاص*، ص ۲۸۰.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	شراوانی
	۵. (در پاسخ به سؤال آیا امام، نبی است) لا مثل الخضر و ذی القرنین ^۱ [...] ان علیا کان محدثا [...] کصاحب سلیمان او کصاحب موسی او کذی القرنین. ^۲	امام نبی نیست و محدث است.	نفی نبوت ائمه و اثبات محدث بودن ایشان.	نفی جایگاه نبوت برای امام.	۵
	۶. الائمه بعضهم اعلم من بعض نعم و علمهم بالحلال و الحرام و تفسیر القرآن واحد. ^۳	برتری علم ائمه نسبت به یکدیگر و برابری علم ایشان نسبت به حلال و حرام و تفسیر.	تفاوت ائمه در میزان علم و برابری آن‌ها در علم نسبت به امور ضروری دین.	برابری علم ائمه در امور مربوط به دین.	۶
	۷. لکیلا یکون آخرنا اعلم من اولنا ^۴ [...] لیکون علم آخرهم (الائمه) من عند اولهم و لایکون آخرهم اعلم من اولهم. ^۵	علم امام آخر برتر از امام اول نیست.	برابری علم ائمه.	نفی برتری علمی ائمه بر یکدیگر.	۷

۱. همان، ص ۲۸۷.

۲. ابن صفار، بصائر الدرجات، صص ۴۷۸-۴۷۹.

۳. همان، صص ۲۶۶-۲۶۷.

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۵.

۵. مفید، اختصاص، ص ۲۶۷.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوازی
	۸. و علی اولنا و افضلنا و خیرنا بعد النبی (ص) ^۱ [...] رسول الله باب الله الذی لا یؤتی الا منه و سبیلہ الذی من سلکہ وصل الی الله عزوجل و كذلك کان امیر المؤمنین من بعده. ^۲	علی افضل ائمه است و بعد از رسول، این برتری را دارد.	علی بعد از پیامبر بهترین ائمه است.	تیین جایگاه علی (ع) پس از پیامبر (ص).	۷
	۹. اللهم من زعم اننا ارباب فنحن الیک منه براء و من زعم ان الینا الخلق و علینا الرزق فنحن الیک منه براء. ^۳	برائت از معتقدان به ربوبیت ائمه یا آن‌ها که خلق و رزق را از آنان می‌دانند.	برائت از عقاید غلاة و مفوضه در ادعای ربوبیت و تفویض خلق و رزق به ائمه.	نفی جایگاه ربوبی برای ائمه و نفی تفویض امور به ایشان.	۲
	۱۰. ان الله تبارک و تعالی فوض الی نبیه امر دینه [...] فأما الخلق و الرزق فلا. ^۴	خداوند خلق و روزی را به پیامبرش نداده است.	خلق و روزی متعلق به پیامبر نیست.	نفی عقاید مفوضه در تفویض امور به پیامبر.	۱
	۱۱. فمن ادعی للانبیاء ربوبیه و ادعی للائمہ ربوبیه او نبوه او لغير الائمہ امامه فنحن منه براءه فی الدنیا و الآخره. ^۵	برائت از کسانی که برای انبیا و ائمه ربوبیت قائل شده‌اند.	ربوبیت مخصوص خداست.	نفی جایگاه ربوبی یا نبوی برای ائمه.	۲

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲. همان، ص ۲۸۲.

۳. ابن بابویه، الاعتقادات، ص ۹۹.

۴. همان، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۲.

۵. همان، ص ۲۰۱.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۱۲. و انا ابرأ الی الله ممن یغلو فینا و یرفعنا فوق حدنا. ^۱	برائت از کسانی که ائمه را از حد خود بالاتر برده‌اند.	غالیان جایگاه ائمه را برتر از جایگاه اصلی آن‌ها می‌دانند.	مذمت افراط در بالاتر بردن جایگاه امام.	۲
	۱۳. (زطی‌ها و ادعای ربوبیت برای علی): انی لست کما قلت انما عبدالله مخلوق. ^۲	ادعای زطی‌ها در ربوبیت علی صحیح نیست.	تأکید بر بندگی امام و مخلوق بودن او.	انکار جایگاه ربوبی برای امام.	۱
	۱۴. اولنا دلیل علی آخرنا و آخرنا مصدق لاولنا والسنه فینا سواء. ^۳	اولین ما مصدق آخرین ماست و سنت ما یکی است.	ائمه مصدق یکدیگرند و در سنت با یکدیگر برابرند.	تأکید بر برابری ائمه در سنت و روش.	۱
	۱۵. لاتضعوا علیا دون ما وضعه الله و لاترفعوا علیا فوق ما رفعه الله. ^۴	پایین یا بالا نبردن مقام علی از آنچه که خدا قرار داده است.	پرهیز از افراط و تفریط در بیان جایگاه امام.	غلو یا تقصیر در بیان جایگاه امام صحیح نیست.	۱

۱. همان‌جا.

۲. ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۰.

۳. مفید، امالی، ص ۹۳.

۴. ابن بابویه، امالی، ص ۲۱۶.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
تعیین امامت	۱. ان الله اتخذ ابراهيم عبدا قبل ان يتخذہ نبيا و اتخذہ نبيا قبل ان يتخذہ رسولا و اتخذہ رسولا قبل ان يتخذہ خلیلا و ان الله اتخذ ابراهيم خلیلا قبل ان يتخذہ اماما. ^۱	خداوند ابراهیم را بنده خود گرفت قبل از اینکه او را نبی کند و... .	طی مراحل کمال برای دستیابی به مقام نبوت، رسالت یا امامت از سوی ابراهیم.	اقتسابی بودن مقام امامت.	۵
	۲. ان الله تبارک و تعالی ذکره یمتحن الاوصیاء فی حیاہ الانبیاء فی سبعة مواطن لیبتلی طاعتهم فاذا رضی محنتهم امر الانبیاء ان يتخذوهم اولیاء فی حیاتهم و اوصیاء بعد وفاتهم [...] . ^۲	امتحان اوصیا در ۷ مرحله صورت می گیرد.	طی مراحل کمال با مجاهده و تلاش.	اقتسابی بودن مقام اوصیا و ائمه.	۲
	۳. فمن ذا الذی یبلغ معرفه الامام او یمکنه اختیاره [...] . ^۳ [..] هل یعرفون قدر الامامه و محلها من الامه فیجوز فیها اختیارهم [...] . ^۴	افراد قادر به انتخاب امام نیستند؛ چون معرفت نسبت به قدر امام ندارند.	انتخاب امام نمی تواند از سوی مردم صورت بگیرد.	توانایی نداشتن مردم در انتخاب امام.	۱
	۴. اولنا دلیل علی آخرنا و آخرنا مصدق لاولنا. ^۵	اولین ما، دلیل و مصدق آخرین ماست.	ائمه یکدیگر را تصدیق می کنند.	انتخاب امام از طریق نص.	۱

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۲۴۶-۲۴۷؛ مفید، اختصاص، ص ۲۳.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۲۴۶-۲۴۷؛ مفید، اختصاص، ص ۱۶۴، ابن بابویه، الخصال، ص ۳۶۵.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۲۸۴-۲۸۷.

۴. همان، ص ۲۸۴.

۵. همان، ص ۲۶۷.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۵. ان علیا لم یذهب حتی ترک حجه من بعده [...] اشهد علی الحسن انه لم یذهب حتی ترک حجه من بعده [...] واشهد علی الحسن انه لم یذهب حتی ترک حجه من بعده [...] ^۱	ائمه یکی پس از دیگری حجتی را بعد از خود تعیین می کردند.	تعیین امام از سوی امام پیشین.	انتخاب امام از طریق نص.	۱
	۶. لاحسب لقرشی ولا لعربی الا بتواضع. ^۲	قریشی و عرب بر هم امتیازی ندارند.	حسب و نسب عامل امتیاز نیست.	نفی برتری افراد از نظر حسب و نسب.	۱
	۷. فأذا لا یكون الامام الا معصوما ولا تعلم عصمته الا بنص [...] لان العصمه لیست فی ظاهر الخلقه. ^۳	امام باید معصوم باشد و عصمت فقط با نص امام مشخص می شود.	عصمت امام از سوی امام و با نص او تأیید می شود.	انتخاب امام از طریق نص.	۱
	۸. (جماعه من اصحاب ینتسبون و یفتخرون) یا معشر قریش ان حسب المرء دینه و مروءته خلقه یا سلمان انه لیس لاحد من هؤلاء علیک فضل الا بتقوی الله. ^۴	حسب و نسب مرد به دین اوست و فقط تقوا عامل برتری است.	حسب و نسب عامل امتیاز افراد نیست.	نفی برتری افراد از نظر حسب و نسب.	۱
	۹. انی نظرت فی کتاب الله فلم اجد لولد اسماعیل علی ولد اسحاق فضلا. ^۵	در قرآن شاهی در برتری فرزندان اسماعیل بر اسحاق نیافتم.	حسب و نسب فرزندان اسماعیل عامل امتیاز آن‌ها نیست.	نفی برتری افراد از نظر حسب و نسب.	۱

۱. همان، ص ۲۶۸.

۲. ابن بابویه، الخصال، ص ۱۸.

۳. همان، ص ۳۱۰.

۴. کلینی، الروضه من الکافی، صص ۱۸۱-۱۸۲؛ طوسی، الامالی، ص ۱۴۷.

۵. کلینی، الروضه من الکافی، ص ۶۹.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۱۰. تواضعك في شرفك اشرف لك من شرف آباءك. ^۱	تواضع انسان برتری دارد بر شرف آباء او.	حسب و نسب امتیاز نیست.	نفی برتری افراد از نظر حسب و نسب.	۱
	۱۱. ولایتی امیر المؤمنین احب الی من ولادتی منه. ^۲	ولایت علی از فرزند نسبی او بودن برتر است.	حسب و نسب امتیاز نیست.	نفی ارزش گذاری بر حسب و نسب.	۱
	۱۲. ان الله تبارك و تعالی يتخذني عبدا قبل ان يتخذني نبيا. ^۳	خداوند پیامبر را قبل از اینکه نبی قرار دهد، عبد و بنده خود قرار داد.	بندگی خدا شرط دستیابی به مقام نبوت.	اکتسابی بودن مقام نبوت.	۱
	۱۳. لا فضل لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی و [....] الا بالتقوی. ^۴	عرب و عجم بر یکدیگر برتری ندارند، مگر با تقوا.	حسب، نسب و نژاد عامل امتیاز افراد نیست.	نفی برتری افراد از نظر حسب و نسب.	۱
	۱۴. یا ایها الناس ان العربیه لیست بأب و جد و انما هو لسان ناطق فمن تکلم به فهو عربی الا انکم ولد آدم و آدم من تراب والله لعبد حبشی حین اطاع الله خیر من سید قرشی عصی الله و ان اکرمکم عندالله اتقاکم. ^۵	بنده حبشی مطیع خدا از سید قرشی گناهکار برتر است و تقوا شرط برتری است.	اطاعت از خدا حتی برای کسی که حسب و نسب پایین تری داشته باشد، امتیاز به دنبال دارد.	نفی برتری افراد از نظر حسب و نسب و تأکید بر تقوا به عنوان عامل امتیاز.	۱

۱. ابن بابویه، الاعتقادات، ص ۱۱۲.

۲. همان جا.

۳. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۱.

۴. کراچکی، معدن الجواهر، ص ۲۱.

۵. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۴.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
۴. اهمیت اعتقاد به ولایت و امامت	۱۵. ان الله خلق محمدا عبدا فادبه حتى اذا بلغ اربعین سنه ^۱ .	پیامبر طی ۴۰ سال، با بندگی به رسالت رسید.	دستیابی به نبوت و رسالت با بندگی خدا.	اکتسابی بودن مقام نبوت و رسالت.	۶
	۱۶. اما علمت أنه لم یمت منامیت حتی یخلف من بعده من یعمل مثل عمله و یسیر بمثل سیرته و یدعو الی مثل الذی دعا الیه. ^۲	هیچ امامی نمی‌میرد، مگر اینکه کسی را مانند خود برگزیند.	تعیین امام از سوی امام پیشین.	تعیین امام از طریق نص.	۳
	۱. انما ابکی لخصلتین لهول المطلع و فراق الاحبه. ^۳	من (امام حسن) از خوف پس از مرگ می‌گریم.	گریه از خوف مرگ و قیامت.	نگرانی ائمه از وضعیت خود پس از مرگ.	۲
	۲. فوالله ما شیعتنا الا من اطاع الله عزوجل. ^۴	شیعه ما نیست، مگر کسی که اطاعت از خدا می‌کند.	شیعه با اطاعت خدا شیعه می‌شود.	اطاعت از خدا شرط شیعه بودن.	۱
	۳. یا ایها الناس والله ما شی یقربکم من الجنة و یباعدکم من النار الا و قد امرتکم و ما من شی یقربکم من النار و یباعدکم من الجنة الا و قد نهیکم عنه. ^۵	ای مردم چیزی به جز اطاعت از خدا شما را به بهشت نزدیک و از جهنم دور نمی‌کند.	اطاعت از خدا و پرهیز از نواهی، تنها شرط برای ورود به بهشت و دوری از جهنم.	اطاعت از خدا شرط ورود به بهشت.	۲

۱. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. ابن صفار، بصائر الدرجات، صص ۳۳۷، ۴۲۹ و ۶۶۳.

۳. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۳؛ همان، امالی، ص ۲۲۲.

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۱۷.

۵. همان، ص ۱۱۸.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوازی
	۴. ایکتفی من انتحل الشیع ان یقول بحبنا اهل البیت فوالله ما شیعتنا الا من اتقی الله و اطاعه. ^۱	ادعای حب ائمه بدون اطاعت خدا و رعایت تقوا افراد را شیعه نمی کند.	و جوب اطاعت از خدا و رعایت تقوا برای شیعه.	اطاعت از خدا و رعایت تقوا، شرط شیعه بودن است.	۶
	۵. ما کانوا یعرفون (الشیعه) یا جابر الا بالتواضع و التخشع و الامانه و کثره ذکر الله و الصوم و الصلاه و [...] . ^۲	شیعه جز با تواضع، خشوع، امانتداری و زیادی ذکر و نماز شناخته نمی شود.	لزوم اجرای شریعت و رعایت اخلاق برای شیعیان.	شیعه فقط با اعمال صالح شیعه می شود.	۲
	۶. حسب الرجل ان یقول احب علیا و اتولاه ثم لا یكون مع ذلك فعالا؟ فلو قال انی احب رسول الله ثم لا یتبع سیرته و لا یعمل بسنته ما نفعه حبه اياه شیئا. ^۳	ادعای حب علی بدون پیروی از سنت ایشان نفعی ندارد.	کافی نبودن ادعای حب بدون پیروی از روش و سنت پیامبر و امام.	شناخت مجبان فقط با پیروی از سنت.	۲
	۷. فاتقوا الله و اعلموا لما عند الله لیس بین الله و بین احد قرابه احب العباد الی الله عزوجل اتقاهم و اعلمهم بطاعته. ^۴	بین خدا و احدی قرابتی نیست. محبوب ترین بندگان متقی ترین آن ها هستند.	دستیابی به حب و قرب خدا با اطاعت و تقوا.	شناخت مجبان و مقربین فقط با تقوا و اطاعت از خدا.	۲

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. همان جا؛ ابن بابویه، الخصال، صص ۳۹۷، ۴۴۴، ۵۱۵؛ طوسی، الامالی، ص ۵۷۶.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۱۹.

۴. همان جا.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوانی
	۸. ولا علی الله لاحد من حجه من كان لله مطيعا فهو لنا ولي ومن كان لله عاصيا فهو لنا عدو ما تنال ولايتنا الا بالعمل والورع ^۱	هرکس مطیع خداست، دوست ماست و ولایت ما فقط با عمل و ورع به دست می آید.	ولایت ائمه فقط با اطاعت خدا، ورع و عمل صالح به دست می آید.	نفی ولایت ائمه بدون ورع و عمل صالح.	۱
	۹. والله ما معنا من الله براءة و لا بیننا و بین الله قرابه و لا لنا علی الله حجه و لا تقرب الی الله الا بالطاعة فمن كان منكم مطيعا لله تنفعه ولايتنا و من كان منكم عاصيا لله ل تنفعه ولايتنا. ^۲	بین ما و خدا قرابتی نیست و هرکس از شما مطیع خداست، ولایت ما برایش منفعت دارد.	ولایت ائمه (ع) بدون اطاعت خدا منفعتی ندارد.	دستیابی به ولایت ائمه فقط با اطاعت خدا.	۲
	۱۰. لیس منا من كان فی مصر فیہ مائه الف او یریدون مکان ذلك المصر احد اورع منه. ^۳	از ما نیست کسی که از او باورع تر در شهر باشد.	باورع ترین افراد می توانند شیعه باشند.	نفی دستیابی به ولایت بدون ورع.	۱
	۱۱. و کونوا دعاة الی انفسکم بغير السننکم و کونوا زینا و لا تکنونوا شینا. ^۴	شیعیان باید با عمل مایه زینت ائمه باشند.	شیعه بدون عمل صالح عامل تشنیع ائمه.	نفی دستیابی به ولایت بدون عمل صالح.	۶
	۱۲. اعینونا بالورع فانه من لقی الله عزوجل منکم بالورع کان له عندالله فرجا. ^۵ [...] فاعینونا بورع و اجتهاد. ^۱	با ورع و اجتهاد، ما را یاری دهید.	شیعه با ورع و اجتهاد، یار امام است.	یاری امام توسط شیعیان با ورع.	۴

۱. همان جا.

۲. همان، ص ۱۲۰.

۳. همان، صص ۱۲۳-۱۲۵.

۴. همان، ص ۱۲۳.

۵. همان، ص ۱۲۴.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوایی
	۱۳. لیس منا شیعتنا من لاتتحدث المحذرات بورعه فی خدورهن. ^۲	شیعه ما کسی است که زنان از پاکی او سخن بگویند.	مشخصه شیعه پاکدامنی و ورع اوست.	شناخت شیعه از طریق پاکدامنی و ورع.	۱
	۱۴. اذا اردت ان تعرف اصحابی فانظر الی من اشد ورعه و خاف خالقه و رجا ثوابه و [...] ^۳ .	اصحاب ائمه را با شدت ورع و خوف از خالق می توان شناخت.	مشخصه شیعه ورع و خوف اوست.	شناخت شیعه از طریق خوف و ورع.	۱
	۱۵. هل یعطف (الشیعه) الغنی علی الفقیر؟ هل یتجاوز المحسن عن المسیء و یتواسون؟ [...] الشیعه من یفعل هذا. ^۴	شیعه به فقرا توجه می کند و اهل خیر است.	شیعه اهل مواسات و سبقت در نیکی است.	شناخت شیعه با صفت مواسات و توجه به فقیر.	۱
	۱۶. ابلف عنی اولیائی السلام و قل لهم ان لایجعلوا للشیطان علی انفسهم سیلاً و مرهم بالصدق فی الحدیث و اداء الامانه و [...] و لا یشغلوا انفسهم بتمزیق بعضهم بعضا [...] ان من فعل ذلک و اسخط ولیا من اولیائی دعوت الله لیعذبه فی الدنیا اشد العذاب و کان فی الآخره من الخاسرین. ^۵	کسانی از اولیای ائمه که راه شیطان را باز می کنند و صداقت در گفتار ندارند، در دنیا و آخرت در عذاب اند.	دوستداران ائمه بدون کنترل نفس، صداقت و امانتداری در عذاب گرفتار می شوند.	امکان گرفتاری اولیای دوستداران ائمه به عذاب در صورت انجام گناه.	۲

۱. کلینی، الروضه من الکافی، صص ۲۱۲-۲۱۳؛ ابن بابویه، فضائل الشیعه، ص ۹؛ مفید، امالی، ص ۲۷۰؛ طوسی، الامالی، صص ۳۳ و ۷۲۲.
۲. کلینی، اصول کافی، ج ۳، صص ۱۲۵-۱۲۶.
۳. همان، ص ۳۳۳.
۴. همان، ص ۲۵۲.
۵. مفید، اختصاص، ص ۲۴۷.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۱۷. ان ابغض الناس الی الله عزوجل من یقتدی بسنه امام و لا یقتدی بأعماله. ^۱	مبغوض ترین افراد نزد خدا کسانی هستند که به اعمال ائمه اقتدا نمی کنند.	پذیرفتن سنت ائمه بدون عمل به آن موجب غضب خداست.	نفی دستیابی به ولایت بدون اقتدا.	۱
	۱۸. من احبنا بقلبه و اعانتا بلسانه و قاتل معنا اعدائنا بیده فهو معنا فی الجنه فی درجتنا. ^۲	یاری ائمه با قلب و زبان، و نبرد با دشمنان آنها، عامل ورود به بهشت است	عامل ورود به بهشت و همنشینی با ائمه، یاری همه جانبه ایشان است.	لازمه ورود به بهشت و همنشینی با ائمه، یاری همه جانبه آنهاست.	۱
	۱۹. انت (عمر بن یزید) والله منا اهل البیت [...] ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه (ابراهیم ۶۸). ^۳	کسی از اهل بیت ما خواهد بود که از ما تبعیت ایشان کند.	تبعیت از ائمه، عامل نزدیکی به آنهاست.	نزدیکی به ائمه با تبعیت از آنها ممکن است.	۱
	۲۰. هل الدین الا الحب؟ ان الله عزوجل یقول: قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی. ^۴	دین برابر با حبی است که در آن تبعیت باشد.	همه دین، حب همراه با تبعیت است.	تبعیت از ائمه نشانه حب است.	۱
	۲۱. امتحنوا شیعتنا عند ثلاث عند مواقیب الصلاه کیف محافظتهم و عند اسرار هم کیف حفظهم لها عند عدونا و الی اموالهم کیف مواساتهم لاخوانهم فیها [...] . ^۵	شیعیان در نماز به موقع، حفظ اسرار و مواسات اموال امتحان می شوند.	امتحان شیعه با اعمال.	مشخصه شیعه تقید به شریعت و اخلاق است.	۱

۱. ابن بابویه، الخصال، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۶۲۹.

۳. طوسی، الامالی، ص ۴۵.

۴. ابن بابویه، الخصال، ص ۲۱.

۵. حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۸؛ ابن بابویه، الخصال، ص ۱۰۳؛ طوسی، الامالی، ص ۳۴ (با اندکی تغییر).

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۲۲. (هنگام وفات فاطمه) اللهم انھا قد أوحشت فأنسها. ^۱	فاطمه از وضعیت خود پس از مرگ، خوف داشت.	نگرانی معصوم از وضعیت خود پس از مرگ.	خوف معصوم از سرنوشت اخروی خود.	۱
	۲۳. (ماندن قطیفه‌ای از بیت‌المال نزد امام‌حسن): النار النار یا ابا محمد [...] ^۲ .	امام‌حسن از خوف عذاب قیامت قطیفه بیت‌المال را برگرداند.	خوف امام‌حسن از حسابرسی و عذاب.	نگرانی معصوم از وضعیت خود در قیامت.	۱
	۲۴. (علی (ع) خطاب به اصحاب) فتزودوا فان خیر الزاد التقوی ^۳ [...] لهم بها اولاد الموت و آثروا زینتها فطلبوا ربتھا [...] الی القبور تقلون [...] و الی الحساب تبعثون. ^۴	بهترین توشه برای اصحاب تقواست که با آن در قیامت برای حسابرسی حاضر می‌شوند.	توصیه به اصحاب در خصوص تقوی و هشدار به ایشان در حسابرسی قیامت.	وجود حسابرسی در قیامت برای اصحاب.	۳
	۲۵. بلغ شیعتی عنی السلام و اعلمهم انه لا قرابه بیننا و بین الله و لا یتقرب الیه الا بالطاعه له من اطاع الله و احبنا فهو ولینا و من عصی الله لم ینفعه. ^۵	بین ائمه و خدا قرابتی نیست و تقرب فقط با اطاعت خدا ممکن است.	ولایت بدون اطاعت خدا منفعتی ندارد و ائمه نمی‌توانند برای انسان‌ها کاری کنند.	ولایت و قرب خدا برای شیعه بدون اطاعت منفعتی ندارد.	۱

۱. ابن بابویه، الخصال، ص ۵۸۸.

۲. شریف‌الرضی، خصائص‌الائمہ، ص ۷۸.

۳. طوسی، الامالی، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۶۵۲.

۵. همان، صص ۲۹۶ و ۷۳۶.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوایی
	۲۶. اصبحت و ربی من فوقی و النار امامی الموت فی طلبی لا املک ما ارجو و لا اطیق دفع ما اکره. ^۱	اقرار به ناتوانی در قیامت برای دستیابی به خواسته‌ها و رفع اندوه و عذاب.	خوف ائمه از مرگ و اقرار به توانایی نداشتن در رفع عذاب.	وجود حسابرسی برای ائمه در قیامت.	۱
	۲۷. والله ما يتقرب الى الله الا بالعمل و ما معنا براهه من النار. ^۲	به خدا سوگند فقط با عمل می‌توان به قرب رسید.	امکان قرب به خدا و دوری از آتش با عمل.	عمل صالح تنها راه رسیدن به قرب خدا.	۱
	۲۸. لا قربه اليه الا بطاعته [...] فاتباعه محبه الله و رضاه غفران الذنوب و کمال الفوز و وجوب الجنه. ^۳	قرب جز با اطاعت ممکن نیست و در این حال بهشت واجب می‌شود.	ورود به بهشت و تقرب به خدا با اطاعت.	اطاعت از خدا تنها راه تقرب و ورود به بهشت.	۲
	۲۹. و ان انجاکم من عذاب الله اشدکم خشیه لله و ان اقربکم من الله اوسعکم خلقا [...] ان اکرمکم علی الله اتقاکم لله. ^۴	کسی را از آتش نجات می‌دهیم که بیشترین خشیت را دارد و خلقش بهتر است.	خشیت، حسن خلق، و تقوا عامل نجات از عذاب است.	شرط دوری از عذاب تقوا و مجاهده است.	۴
	۳۰. لا يجوز الی جنتی الیوم ظالم [...] و لاحد من المسلمین عنده مظلمه حتی يأخذها منه عندالحساب. ^۵	ظالم امروز به بهشت من وارد نمی‌شود تا حساب پس دهد.	ظالم و کسی که مظلماه‌ای بر گردن دارد، به بهشت وارد نمی‌شود.	ناممکن بودن ورود به بهشت برای مسلمانی که مظلماه‌ای بر گردن دارد.	۱

۱. همان، صص ۶۴۰-۶۴۲.

۲. همان، ص ۳۳۶.

۳. کلینی، الروضه من الکافی، ص ۱۹، ۲۶ و ۴۹.

۴. همان، صص ۶۸-۶۹.

۵. همان، ص ۱۰۶.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوایی
	۳۱. نستجیر بالله من النار، نعوذ بالله من النار. ^۱	پناه می‌بریم به خدا از آتش.	پناه بردن ائمه به خدا از آتش.	اطمینان نداشتن ائمه از نجات از آتش.	۱
	۳۲. انی رسول الله الیکم [...] ان لی عملی و لكل رجل منکم عمله لا تقولوا ان محمد منا و سندخل مدخله فلا والله ما اولیائی منکم و لا من غیرکم یا بنی عبدالمطلب الا المتقون. الا فلا اعرفکم یوم القیامه الا انی قد اعذرت الیکم فیما بینی و بینکم و فیما بینی و بین الله عزوجل فیکم. ^۲	عمل من متعلق به من و عمل شما متعلق به شماست و من نمی‌توانم برای شما کاری انجام دهم.	هر کسی با عمل خود می‌تواند به بهشت وارد شود و وابستگی نسبی عامل نجات نیست.	وابستگی‌های نسبی، عامل نجات از آتش نیست و فقط عمل افراد مهم است.	۲
	۳۳. (اسماعیل: ما حال المذنبین منا): لیس بامانیکم و لا امانی اهل الکتاب من یعمل سوءا یجزی به. ^۳	گناهکاران از اهل بیست نمی‌توانند به پاداش برسند.	هیچ نسب، مذهب و موقعیتی به تنهایی نمی‌تواند پاداشی به دنبال داشته باشد.	وابستگی‌های نسبی، عامل نجات از آتش نیست و فقط عمل افراد مهم است.	۱
	۳۴. ولا علی الله لاحد من حجه من کان مطیعا فهو لنا ولی من کان لله عاصیا فهو لنا عدو و لا تنال ولایتنا الا بالورع و العمل. ^۴	هر کس مطیع خداست با ائمه است و گناهکاران دشمنان ائمه‌اند.	دستیابی به ولایت ائمه فقط با ورع.	نفی دستیابی به ولایت بدون عمل.	۱

۱. همان، ص ۱۶۴.

۲. همان، ص ۱۸۲.

۳. ابن بابویه، الاعتقادات، ص ۱۱۲.

۴. همان، صص ۱۱۲-۱۱۳.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۳۵. ان علیا لم یکن ینسب احدًا من اهل حربہ الی الشریک و لا الی النفاق و لکن یقول ہم اخواننا بغوا علینا. ^۱	علی به محاربان عنوان شرک و نفاق نداد و آن‌ها را برادر خطاب می‌کرد.	از دیدگاه علی (ع) محاربه با ایشان برابر با کفر نبوده است.	نفی برابری عدم اعتقاد به ولایت با کفر.	۱
	۳۶. (بلغنا عن بعضکم ان زیاره القبر الحسین تعدل حجه و عمره) فقال: ما اصعب هذا الحدیث ما تعدل هذا کله. ^۲	این سخن که زیارت حسین برابر با حج و عمره است، صحیح نیست.	تکذیب برابری ثواب زیارت امام با حج و عمره.	نفی برابری پاداش زائران امام حسین (ع) با حج و عمره.	۱
	۳۷. رب فوقی و النار امامی [...] و الحساب محقق بی و انا مرتنه بعملی [...] فأن شاء عذبنی و ان شاء عفا عنی. ^۳	اگر خدا بخواهد مرا عذاب می‌کند و اگر بخواهد می‌بخشد.	خوف ائمه (ع) از عذاب الهی و حسابرسی.	اطمینان نداشتن ائمه (ع) از موقعیت بهشتی خود در قیامت.	۱
	۳۸. کونوا فی الناس کالنحلہ فی الطیر [...] لکل امرئ ما اکتسب و هو یوم القیامه مع من احب. ^۴	برای مردم مفید باشید که هر کس به اندازه عمل خود بهره می‌برد.	توصیه به شیعیان که بهترین باشند؛ چرا که با اعمال خود در قیامت حاضر می‌شوند.	حضور در قیامت و حسابرسی اعمال همه، از جمله شیعیان.	۱

۱. حمیری، قرب‌الاسناد، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۴.

۴. مفید، امالی، ص ۱۴۴.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوازی
	۳۹. من كان منا لم يطع الله فليس منا وانت اذا اطعت الله فانت منا اهل البيت. ^۱	هر کس که مطیع خدا نباشد، از ما نیست.	خروج از ولایت و نزدیکی به ائمه با اطاعت نکردن از خدا.	نفی دستیابی به ولایت بدون اطاعت خدا.	۱
	۴۰. انه ليس بين الله وبين احد قرابه ولا ينال احد ولايه الله الا بالطاعه و لقد قال رسول الله لبني عبدالمطلب ايتوني بأعمالكم لا بأحسابكم و انسابكم. ^۲	هیچ کس با خدا قرابت ندارد و ولایت خدا فقط با اطاعت او حاصل می شود؛ حسب و نسب در این امر نقشی ندارد.	دستیابی به قرب و ولایت خدا فقط با اطاعت او.	نفی دستیابی به تقرب و ولایت الهی بدون عمل و فقط با حسب و نسب.	۱
	۴۱. لمحسنتنا كفلان من الاجر و لمسيئتنا ضعفان من العذاب. ^۳	برای نیکوکاران از ما اجر زیاد و برای بدکاران عذاب خواهد بود.	وابستگان ائمه در صورت انجام گناه عذاب می شوند.	مستثنی نبودن وابستگان ائمه از حسابرسی اعمال.	۳
	۴۲. والله ما ينال احد ما عندالله عزوجل الا بطاعته. ^۴	هیچ یک از ما به خدا نزدیک نمی شود مگر با طاعت.	اطاعت از خدا تنها شرط برای نزدیکی به اوست.	نفی دستیابی به تقرب بدون عمل.	۱

۱. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. همان، صص ۲۳۲-۲۳۵.

۴. همان، ص ۲۳۴.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۴۳. لا یشفعون الا لمن ارضى دینه. ^۱	شفاعت شامل آن‌هاست که خدا از دینشان راضی است.	شفاعت برای همه افراد نیست.	رضایت از دین شرط برخورداری از شفاعت.	۱
	۴۴. بلغنی انکم تقولون انا تقول ان الناس عیبیدلنا لا و قرابتی من رسول الله ما قلته قط و لا سمعته من احد من آبائی و لا بلغنی عن احد منهم قاله لکن تقول الناس عیبید لنا فی الطاعه و موال لنا فی الدین. ^۲	من و پدرانم نگفته‌ایم که مردم بندگان ما هستند. مردم در اطاعت از خدا مطیع ما هستند.	ائمه، مردم را بندگان خود نمی‌دانستند و به اطاعت از خدا می‌خواندند.	نفی برابری ولایت ائمه با بندگی مردم.	۱
	۴۵. شیعتنا والله لا یتختم الذنوب و الخطایا هم صفوه الله الذین اختارهم لدینه. ^۳	شیعه ما به گناه و خطا گرفتار نمی‌شود و به همین دلیل برگزیده است.	شیعه به گناه و خطا مرتکب نمی‌شود.	ولایت ائمه بدون پرهیز از گناه معنا ندارد.	۱
	۴۶. انما شیعتنا من تابعنا و لم یخالفنا. ^۴	شیعه ما پیرو ماست و با ما مخالفت نمی‌کند.	ولایت بدون تبعیت معنا ندارد.	نفی دستیابی به ولایت بدون تبعیت.	۱
	۴۷. (در واکنش به اینکه هر کس امام را نشناسد کافر است): سبحان الله هذا قول الخوارج [...] انه شر علیکم ان تقولوا بشیء ما لم تسمعوه. ^۵	این قول که هر کس امام را نشناسد، کافر است، قول خوارج است.	انکار کفر کسانی که امام را نمی‌شناسند.	نفی برابری بی‌اعتقادی به ولایت و امامت با کفر.	۱

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. مفید، امالی، ص ۲۵۳.

۳. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۴. همان، ص ۱۱۷.

۵. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۱۲۲.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوانی
۵. نفی عقاید کلامی غالیان	۱. یا ذعلب ان ربی لا یوصف بالبعد و لا بالحرکه. ^۱	خداوند به بعد و حرکت توصیف نمی شود.	نفی تشبیه.	نفی عقاید کلامی غالیان درباره تشبیه.	۱
	۲. من شبه الله بخلقه فهو مشرک و من وصفه بالمکان فهو کافر. ^۲	کافر خدا را به خلق تشبیه می کند.	برابری تشبیه با کفر.	نفی عقاید کلامی غالیان درباره تشبیه.	۳
	۳. من قال بالتشبهه [...] فهو کافر مشرک و نحن منه برأه فی الدنیا و الآخرة. ^۳	اعتقاد به تشبیه برابر با کفر و شرک است و براه ائمه را به دنبال دارد.	براهت ائمه از تشبیه و برابر گرفتن آن با کفر و شرک.	نفی عقاید کلامی غالیان درباره تشبیه.	۳
	۴. ان الله تبارک و تعالی لا یشبه شیئا و لا یشبهه شیء و کل ما وقع فی الوهم. ^۴	تشبیه خدا فقط در وهم صورت می گیرد.	علت تشبیه به اوهام انسانها برمی گردد.	نفی عقاید کلامی غالیان درباره تشبیه.	۳
	۵. و لم یکن له من خلقه کفوا احد. ^۵	هیچ کس کفو و همانند خدا نیست.	نفی تشبیه.	نفی عقاید کلامی غالیان درباره تشبیه.	۲

۱. مفید، اختصاص، ص ۲۳۶.

۲. ابن بابویه، التوحید، صص ۶۹ و ۸۰؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۵.

۳. ابن بابویه، التوحید، ص ۳۶۴.

۴. همان، ص ۸۰؛ کراچکی، کنزالفوائد، ج ۲، ص ۴۱.

۵. ابن بابویه، التوحید، ص ۱۰۴.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	تراوایی
	۶. الحمد لله الذی منع الاوهام ان تنال الا وجوده و حجب العقول ان تتخیل ذاته لامتناعها من الشبه و التشاکل. ^۱	اوهام عامل گرفتاری به تشبیه است.	علت گرفتاری به تشبیه، اوهام انسان هاست.	نفی عقاید کلامی غالیان درباره تشبیه.	۱
	۷. من قال بالتناسخ فهو کافر. ^۲	اعتقاد به تناسخ کفر است.	برابری اعتقاد به تناسخ با کفر.	نفی عقاید غالیان درباره تناسخ.	۱
	۸. من قال بالتناسخ [...] مکذب بالجنه و النار. ^۳	اعتقاد به تناسخ انکار بهشت و جهنم است.	اعتقاد به تناسخ برابر با انکار بهشت و جهنم.	نفی عقاید کلامی غالیان درباره تناسخ.	۱
	۹. فانهم (العلاه و المفوضه) لعنهم الله فانهم يقولون لم یقتلوا علی الحقیقه و انه شبه للناس امرهم فکذبوا علیهم غضب الله.	غضب خدا بر غالیان و مفوضه که وفات ائمه را انکار می کنند.	انکار وفات ائمه از سوی غالیان و مفوضه.	نفی عقاید کلامی غالیان درباره انکار وفات ائمه.	۱
	۱۰. انی بریء الهی من الذین بالتشبهه طلبوک لیس کمثلہ شیء [...] بل سووک یخلقک. ^۴	برائت از تشبیه و برابر قرار دادن خدا با خلق.	برائت از تشبیه.	نفی عقاید کلامی غالیان درباره تشبیه.	۳

۱. کلینی، الروضه من الکافی، ص ۱۹.

۲. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳. همان جا.

۴. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۶؛ ابن بابویه، امالی، ص ۶۰۹؛ مفید، الارشاد، ص ۵۰۵.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۱۱. الحمد لله الواحد الاحد الصمد المنفرد الذی لا من شیء کان [...] ابانه لها من شبهه و ابانه له من شبهها. ^۱	دوری جستن از افرادی که خدا را به خلق و خلق را به خدا تشبیه کرده‌اند.	برائت از مشبهه.	نفسی عقاید کلامی غالیان درباره تشبیه.	۲
	۱۲. قوم انحلوا مودتنا و زعموا انهم یدینون بموالاتنا و یقولون بامامتنا و زعموا ان الحسین لم یقتل و انه شبه للناس امره کعیسی بن مریم فلا لأئمه اذن علی بنی امیه و لا عتب علی زعمهم من زعم ان الحسین لم یقتل فقد کذب رسول الله و علیا و کذب من بعده الائمه فی اخبارهم بقتله و من کذبهم فهو کافر [...] ما هؤلأء شیعتی بری منهم کذا و کذا ابطال القرآن و الجنة و النار. ^۲	قائلان به شباهت امر حسین (ع) با عیسی (ع) در کشته نشدن و عروج ایشان کافرند و شیعه نیستند.	انکار وفات امام برابر با کفر.	نفسی عقاید کلامی غالیان درباره انکار وفات ائمه.	۲
	۱۳. سبحان من لیس کمثلہ شی لاجسم و لاصوره. ^۳	خداوند از جسم و صورت داشتن منزه است.	تنزیه خدا از شباهت به مخلوق.	نفسی عقاید کلامی غالیان درباره تشبیه.	۲

۱. ابن بابویه، التوحید، صص ۳۴، ۴۱-۴۴.

۲. ابن بابویه، علل الشرایع، ص ۲۲۷، همان، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۳.

۳. کراجکی، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۴۲.

جدول ۳-۲. احکام صادرشده از معصومین (ع) درباره غلو و غالیان

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
احکام معصومین در خصوص غلو و غالیان	۱. لولا ان تقول فيك طوايف من امتي ما قلت النصارى للمسيح عيسى بن مريم لقلت فيك اليوم قولا لا تمر بملا الا اخذوا التراب من تحت رجليك. ^۱	ترس از غلو در میان پیروان مانع از بیان فضائل علی بوده است.	کم ظرفیتی مردم، عامل غلو بوده است.	بیان نکردن فضائل راهی برای مقابله با غلو.	۵
	۲. ان محمد قد بعث نبيا [...] و لقد ابرأ الاكمه و الابرص و [...] و لم نتخذة ربا من دون الله [...] فمتى اتخذتم عيسى ربا جاز لكم ان تتخذوا اليسع و حزقيل ربا لانهما قد صنعا مثل ما صنع عيسى. ^۲	از پیامبران الهی مانند محمد، اليسع و [...] نیز معجزه می دیدند؛ اما آنها را خدا ندانستند.	کم ظرفیتی مردم در دیدن معجزه، عامل اعتقاد به ربوبیت انبیا بوده است.	مقایسه امت‌ها در برخورد با پیامبران نشان در برخورد با غلو.	۱
	۳. اللهم اني ابرأ اليك من الذين ادعوا لنا ما ليس لنا بحق اللهم اني ابرأ اليك من الذين قالو فينا ما لم نقله في انفسنا ^۳ [...] قوم يقولون فينا ما لا نقوله في انفسنا. ^۴	اعلام براءت از کسانی که در مورد ائمه ادعاهایی می کنند که آنها در خصوص خود نکرده اند.	براءت از ادعاهای غالیان در برتر جلوه دادن ائمه.	براءت ائمه از غالیان.	۲

۱. مفید، اختصاص، ص ۱۵۰، ابن بابویه، امالی، صص ۹۶-۹۷ و ۱۱۶، همان، الخصال، ص ۵۷۵.

۲. ابن بابویه، عيون اخبار الرضا، ج ۱، صص ۱۵۹-۱۶۰.

۳. همان، الاعتقادات، ص ۹۹.

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۰.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۴. ولقد كان قول من ينسبه الى العصيان اهون عليه من قول من ينسبه الى الربوبية. ^۱	انتساب گناه به ائمه برای ایشان پذیرفتنی تر بود تا ادعای ربوبیت.	پذیرفتنی تر دانستن ادعاهای مقصره در مقایسه با غالیان.	ترجیح مقصره بر غلاة.	۳
	۵. يا معشر الشيعة كونوا النمرقه الوسطى يرجع اليكم الغالى و يلحق بكم التالى. ^۲	دعوت شیعه به اعتدال.	دعوت به اعتدال شیعیان برای الگوسازی.	مقابله با غلو با دعوت به اعتدال.	۲
	۶. اللهم من زعم اننا ارباب فنحن اليك منه براءه و من زعم ان الينا الخلق و علينا الرزق فنحن اليك منه براءه. ^۳	برائت از کسانی که برای ائمه ادعای ربوبیت می کنند و به آنها خلق و روزی را نسبت می دهند.	انکار ادعای الوهیت و تفویض برای ائمه.	برائت از غالیان و مفوضه.	۳
	۷. الغلاة الذين صغروا عظمه الله فمن احبهم فقد ابغضنا. ^۴	غالیان عظمت خدا را کوچک می کنند. دوستدار آنها مبغوض ماست.	دوستدار غالی، مبغوض ائمه است.	برائت از دوستداران غالیان.	۳
	۸. ان الدين الله لا يعرف بالرجال بل بآيه الحق فاعرف الحق تعرف اهله. ^۵	دین با افراد شناخته نمی شود.	پرهیز از شخصیت پرستی.	مقابله با غلو از طریق مبارزه با شخصیت پرستی.	۲

۱. ابن بابویه، *المالی*، ص ۱۰۲.

۲. کلینی، *اصول کافی*، ج ۳، ص ۱۲۰؛ مفید، *المالی*، ص ۱۶ (با کمی تغییر)؛ طوسی، *الامالی*، ص ۶۲۶.

۳. ابن بابویه، *الاعتقادات*، ص ۱۰۰.

۴. ابن بابویه، *التوحید*، ص ۳۶۴؛ ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۱۴۳؛ طوسی، *الامالی*، ص ۶۵۰.

۵. مفید، *المالی*، ص ۱۶، طوسی، *الامالی*، ص ۶۲۶.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۹. لاترفعونى فوق حقى. ^۱	ائمه را از حق خود بالاتر نبرید.	پرهیز از افراط در بالا بردن ائمه.	مقابله با غلو با تبیین جوانب آن.	۲
	۱۰. لعن الله الغلاة و المفوضه فانهم صغروا عصیان الله و کفروا به و أشركوا و ضلوا و أضلو فرارا من اقامه الفرائض و اداء الحقوق. ^۲	لعنت خدا بر غالیان و مفوضه که عصیان را کوچک دانستند، کافر، مشرک و گمراه شدند و اقامه فرائض را نادیده گرفتند.	تبعات غلو، گرفتاری به اباحه، کفر، شرک و گمراهی.	لعن غلاة و مقابله با آن‌ها از طریق بیان تبعات غلو.	۱
	۱۱. سیهلك فيه اثنان و لا ذنب له، محب غال و مقصر. ^۳	دو گروه هلاک می‌شوند: محب غالی و مقصر.	هلاکت مجان غالی.	هشدار تبعات غلو به غالیان.	۳
	۱۲. و لعمرى ان عيسى بن مریم لو سكن عما قالت فيه النصارى لعذبه الله. ^۴	اگر عیسی (ع) واکنشی در برابر غلو نشان نمی‌داد، مورد عذاب قرار می‌گرفت.	عذاب نتیجه سکوت در برابر غالیان.	مقابله با غالیان، وظیفه است.	۱

۱. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. همان، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۷.

۳. همان، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۱؛ همان، امالی، صص ۱۹۷؛ طوسی، الامالی، ص ۲۵۶.

۴. طوسی، امالی، ص ۶۱۲.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۱۳. بینا رسول الله ذات یوم جالس فی المجلس اذ جاءت جاریه لبعض الانصار و هوقائم فاخذت بطرف ثوبه فقام لها النبي فلم تقل شيئا حتى فعلت ذلك ثلاث مرات. ^۱	واکنش پیامبر در برابر زنی که از لباس ایشان تبرک می خواست.	مقابله با عمل تبرک جویی.	مقابله عملی با غلو.	۱
	۱۴. فليس اولئك منا و لسنا منهم. ^۲	غالیان از ما نیستند و ما از آنها نیستیم.	تأیید نکردن غالیان.	مقابله با غلو از طریق طرد غالیان.	۱
	۱۵. لعن الله المغیره بن سعید کان یکذب علینا. ^۳	لعن مغیره برای دروغ بستن به ائمه.	لعن افراد غالی.	مقابله با غلو و لعن غالیان.	۳
	۱۶. (وقتی از عقاید تفویضی مردی پرسیدند) کذب عدو الله. ^۴	مفوضه دروغ می گویند و دشمن خدا هستند.	مفوضه دروغ می گویند.	تکذیب عقاید مفوضه.	۱
	۱۷. ثلاثه لا یصلی خلفهم المجهول و الغالی [...]. ^۵	پشت سر غالی نماز صحیح نیست.	حکم صحت نداشتن اقتدا به غالی در نماز.	مقابله عملی با غالیان.	۱
	۱۸. رجال لاتنالهما شفاعتی صاحب سلطان عسوف غشوم و غال فی الدین مارق. ^۶	غالی مشمول شفاعت نمی شود.	محرومیت غالیان از شفاعت ائمه.	مقابله با غالیان و محروم کردن آنها از شفاعت.	۱

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۱۲۰.

۳. مفید، اختصاص، ص ۲۰۴.

۴. ابن بابویه، الاعتقادات، ص ۱۰۰.

۵. همان، الخصال، ص ۱۵۴؛ همان، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۸۲.

۶. ابن بابویه، الخصال، ص ۶۳.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۱۹. ادنی ما یرج به الرجل من الایمان ان یجلس الی غال فیستمع الی حدیثه و یصدقه علی قوله. ^۱	شنیدن سخن غالیان و تصدیق آنها برابر با خروج از ایمان است.	تهییج جامعه در تأیید نکردن سخنان غالیانه و یا استماع آن.	دعوت به مقابله جمعی با غالیان.	۱
	۲۰. صنغان من امتی لانصبی لهما فی الاسلام الغلاه و القدریه. ^۲	غالیان نصیبی از اسلام ندارند.	حکم خروج از اسلام برای غالیان.	مقابله با غلو از طریق تأیید نکردن اسلام غالیان.	۱
	۲۱. احذروا علی شبابکم الغلاه لا یفسدونهم فان الغلاه شر خلق الله [...] ان الغلاه شر من اليهود و النصارى و المجوس و الذین اشرکوا. ^۳	نهی از مجالست جوانان با غالیان که آنها بدترین مردم اند و از یهودیان و مسیحیان و زرتشتیان و مشرکان بدترند.	تهییج جامعه در پرهیز از مجالست و معاشرت با غالیان.	دعوت به مقابله جمعی با غالیان.	۱
	۲۲. الینا یرجع الغالی فلا نقبله و بنا یلحق المقصر فنقبله [...] لان الغالی قد ترک الصلاه و الزکاه و [...] فلا یقدر علی ترک عادته الی طاعه الله ابدا و ان المقصر اذا عرف عمل و اطاع. ^۴	ترجیح مقصره بر غالیان به دلیل گرفتاری غالیان به اباحه.	هشدار به غالیان در گرفتاری به اباحه.	مقابله با غلو از طریق بیان تبعات آن.	۱

۱. همان، ص ۷۲.

۲. همان جا.

۳. طوسی، الامالی، ص ۶۵۰.

۴. همان جا.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۲۳. ولعنهم الله (القصاصون) یشنعون علينا. ^۱	لعن قصاصون که موجب تشیع ائمه می شوند.	لعن قصاصون به عنوان عاملان رواج غلو.	مقابله با قصه پردازی به منظور تأیید نکردن غلو.	۱
	۲۴. وسئل عن القصاص ایحل الاستماع لهم فقال: لا. ^۲	استماع کلام قصاص حلال نیست.	حکم حرمت برای شنیدن کلام قصاصون.	مقابله عملی با قصه پردازی و غلو.	۱
	۲۵. الغلاه کفار و المفوضه مشرکون من جالسهم او خالطهم او آکلهم او شاربهم او واصلهم او زوجهم او تزوج منهم او آمنهم او ائتمنهم علی امانه او صدق حدیثهم او اعانهم بشطر کلمه خرج من ولایه الله و ولایه رسول الله و ولایتنا اهل البیت. ^۳	غالیان کافرند و مفوضه، مشرک؛ مجالست با آنها و تصدیق گفتارشان برابر با خروج از ولایت الهی و ولایت رسول و ائمه است.	حکم کفر و شرک برای غالیان و مفوضه، و خروج از ولایت برای تصدیق گفتار و مجالست.	مقابله با غالیان در صدور احکام علیه آنها و تهییج جامعه برای طرد آنها.	۱
	۲۶. فرقه غلاه فیک فهم الجاحدون [...] والغلاه فی محبتک فی النار. ^۴	غالیان کافرند و در آتش وارد می شوند.	حکم کفر برای غالیان.	مقابله با غالیان از طریق صدور حکم کافر برای آنها.	۱

۱. ابن بابویه، الاعتقادات، ص ۱۰۹.

۲. همان جا.

۳. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ص ۲۰۲.

۴. ابن شاذان، مأه المنقبه، ص ۸۱.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۲۷. لعن الله الغلاة الا كانوا يهودا الا كانوا مجوسا الا كانوا نصارى الا كانوا قدریه الا كانوا مرجئه الا كانوا حروریه [...] لا تقاعدوهم و لاتصادقوهم و ابرءوا منهم بری الله منهم. ^۱	لعنت بر غالیان از هر گروهی که هستند؛ از همنشینی و مجالست با آنها پرهیزید و از آنها براءت بجویید.	لعن غالیان و توصیه همگانی در پرهیز از مجالست با آنها.	دعوت جامعه به مقابله با غالیان.	۱
	۲۸. يهلك في اثنان و لا ذنب لی محب مفرط و مبغض مفرط و انا ابرأ الی الله ممن یغلوا فینا و یرفعنا فوق حدنا. ^۲	هلاکت محب افراطی و دشمن افراطی و براءت از غالیان که ائمه را از حد خود بالاتر می برند.	هلاکت مجبان افراطی و حکم به براءت از آنها.	مقابله با غالیان از طریق بیان تبعات غلو و حکم به براءت.	۱
	۲۹. فنحن منه (غالی) براءه فی الدنيا و الآخرة. ^۳	براءت ائمه از غالیان در دنیا و آخرت.	حکم به براءت از غالیان در دنیا و آخرت.	مقابله با غالیان از طریق طرد آنها.	۱
	۳۰. (در برابر ادعاهای غالیانه زطی‌ها) لئن لم ترجعوا عما قلتم و لم تتوبوا الی الله لاقتلکم [...] فأمرا ن تحفر آبار فحفرت ثم خرقت بعضها الی بعض ثم قذف بهم فیها. ^۴	تهدید به قتل زطی‌ها به دست علی (ع) و مجازات آنها برای عقاید غالیانه ایشان.	مجازات غالیان.	مقابله عملی با تعیین مجازات برای غالیان.	۱

۱. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. همان، ص ۲۰۱.

۳. همان جا.

۴. همان، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۰.

موضوع	متن حدیث	سطح اول: مفاهیم مقتبس	سطح دوم: مقوله محوری	سطح سوم: مقوله مرکزی	فراوانی
	۳۱. ما هؤلاء من شیعتی و انی بریء منهم کذا و کذا ابطال القرآن و الجنه و النار. ^۱	غالیان شیعه نیستند و سخنان آنها ابطال قرآن و بهشت و جهنم را در پی دارد.	شیعه نبودن غالیان و اعلام برائت از آنها.	مقابله با غالیان از طریق اعلام برائت از آنها.	۲
	۳۲. اللهم انی بریء من الغلاه کبرائه عیسی بن مریم من النصری اللهم هخذلهم ابدًا و لا تنصر منهم احدًا. ^۲	برائت از غالیان و درخواست از خدا برای یاری نکردن به آنها.	برائت از غالیان.	مقابله با غالیان از طریق اعلام برائت از آنها.	۱

سطح اول: کدگذاری باز (شناسایی مفاهیم احادیث و اخبار موجود)

در این سطح به منظور شناسایی مفاهیم، احادیث و اخبار موجود یا داده‌ها در منابع شیعه مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند. این داده‌ها براساس ماهیت یکسان مفهومی و یا طیف یکسان معنایی، ذیل مفاهیم انتزاعی تر «مقوله یابی» می‌شوند. در پژوهش حاضر، احادیث در دو مفهوم کلی: تبیین شاخصه‌های غلو، و نحوه مقابله معصومین (ع) با غلو و غالیان شناسایی شده‌اند. دو جدول ۱-۳ و ۲-۳، حاصل طبقه‌بندی داده‌ها در این دو مفهوم است.

سطح دوم: کدگذاری محوری (شناسایی مقوله‌های محوری)

شناسایی مقوله‌های محوری و سنجش ارتباط آنها با یکدیگر، پس از کدگذاری باز و یافتن مفاهیم و مقوله‌های احادیث انجام می‌شود. این مقوله‌ها براساس الگوهای نظریه بنیادی رمزگشایی می‌شوند. متن احادیث و اخبار با توجه به نوع برخورد در شش مقوله قرار گرفته‌اند. ۲۵ گزاره به مذمت اندیشه‌های کلامی غالیان می‌پردازند. ۲۸۵ گزاره به

۱. همان، علل الشرایع، ج ۱، صص ۲۲۷ و ۶۰۹.

۲. طوسی، امالی، ص ۶۵۰.

ویژگی‌های امام، ۴۰ گزاره به جایگاه امام، ۳۵ گزاره به نحوه تعیین امام و ۷۷ گزاره به اهمیت ولایت و امامت اشاره دارند. تعداد گزاره‌هایی که به احکام صادر شده درباره غلو و اهمیت مبارزه با آن اشاره دارند، ۵۱ است. در هریک از مقوله‌های کلی فوق، مقوله‌های فرعی نیز شناخته شده‌اند که می‌تواند پایه تحقیقات بعدی در این زمینه باشد.

سطح سوم: کدگذاری گزینشی (کشف مقوله مرکزی)

پالایش و یکپارچه‌سازی مقوله‌ها، ارتباط معنایی مقوله‌هایی که در احادیث به اشباع رسیده‌اند و کشف مقوله مرکزی، در این سطح صورت می‌گیرد. مقوله‌های محوری احادیث به ترتیب فراوانی، عبارت‌اند از: مذمت غلو در ویژگی‌های امام، مذمت غلو در اهمیت ولایت و امامت، مذمت غلو در جایگاه امام، نحوه تعیین او و نقد اندیشه‌های کلامی غالبان.

رمزگشایی مقوله‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تمرکز احادیث ائمه (ع) بر مبارزه با غلو در ویژگی‌های امام (آفرینش، ولادت، شهادت، علم غیب و علم بی‌نهایت، عصمت و فضایل ذاتی، معجزه و کرامات و...) و اهمیت ولایت و امامت بوده است. این فرضیه که در دوره حضور ائمه (ع)، بیشترین غلو به مسئله فوق‌بشری جلوه دادن ائمه (ع) اختصاص داشته است، طرح می‌شود.

در میان مقوله‌هایی که به اشباع نرسیده‌اند (مذمت اندیشه‌های کلامی غالبان و نحوه تعیین امام)، مذمت غلو در نحوه تعیین امام بیشترین فراوانی را دارد. این فرضیه که در دوره حضور، این بحث کمتر رواج داشته است، تأمل‌پذیر است.

در بخش احکام صادر شده درباره غالبان، ۴۱ گزاره به بیان مقابله عملی با غالبان و طرد و لعن این گروه اختصاص یافته است و ۱۰ گزاره به تبیین غلو و تبعات آن می‌پردازد. ترجیح مقصره بر غالبان از سوی ائمه (ع) می‌تواند این فرضیه را که ائمه خطر غالبان را نسبت به مقصره بیشتر می‌دانسته‌اند، تقویت کند. فرضیه دیگری که می‌تواند با توجه به

جدول ۲-۳ قابل طرح باشد، این است که از نظر ائمه (ع) مبارزه با غلو در بعد عملی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

۴. نتیجه

موضوع مشترک بیشتر احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) که بر مذمت غلو اشاره دارند، مقابله با دیدگاه‌های غالبانه در بیان ویژگی‌های فوق‌بشری بوده است که ائمه (ع) در تبیین غلو نیز پرهیز از آن‌ها را بارها به افراد گوشزد کرده‌اند. از نظر این بزرگواران هرگونه حرکتی که به بالا بردن قدر و شأن ائمه (ع) از حد خود بینجامد، غلو محسوب می‌شود و باید با آن به‌طور جدی برخورد کرد. با توجه به اینکه بیشترین موضع‌گیری معصومین (ع) نسبت به غلو در ویژگی‌های امام بوده، این فرضیه که در عصر حضور، غلو در موضوع فوق رواج بیشتری داشته است، قابل طرح است. ائمه (ع) برای مبارزه با این سنخ از غلو، سعی در تبیین واقعی ویژگی‌های خود به جامعه و در نهایت تشویق جامعه به اعتدال داشته‌اند. بیشترین احادیث صادر شده از این بزرگواران به چنین دیدگاه‌هایی متعرض است. استفاده راهبردی از این مسئله در ریشه‌کن کردن اندیشه‌های غالبانه از تمرکز بر این مقوله مرکزی قابل استنباط است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۱ق). *معانی الاخبار*. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۸۶ق). *علل الشرایع*. نجف: مکتبه الحیدریه.
- _____ (۱۳۹۸ق). *التوحید*. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۰ش). *امالی*. تهران: انتشارات کتابچی.
- _____ (۱۴۰۳ق). *الخصال*. قم: جامعه المدرسین.
- _____ (۱۴۱۳ق). *الاعتقادات*. المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- _____ (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین.

- _____ (بی تا). **عیون اخبار الرضا**. تهران: انتشارات علمیة اسلامیة.
- _____ (بی تا). **فضائل الشیعه**. تهران: اعلمی.
- ابن شاذان، فضل بن شاذان (۱۳۵۱ش). **الایضاح**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۴۰۷ق). **مأه المنقبه**. قم: مدرسه امام مهدی.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). **تحف العقول**. قم: جامعه مدرسین.
- ابن صفار، محمد بن حسن (۱۴۲۹ق). **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد**. قم: منشورات طلیعه النور.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۳۵۶ق). **کامل الزیارات**. نجف: مرتضویه.
- برقی، احمد بن محمد (۱۴۲۹ق). **المحاسن**. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. **قرب الاسناد**، قم: انتشارات کتاب خانه نبوی.
- سیدرضی (بی تا). **نهج البلاغه**. بی جا: بی نا.
- سیدمرتضی بن داعی (۱۳۱۳). **تبصره العوام فی مقالات الانام**. تصحیح عباس اقبال. تهران: مطبعه مجلس.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق). **خصائص الائمه**. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق). **دلائل الاماهه**. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). **تهذیب الاحکام**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۴۸ش). **اختیار معرفه الرجال** (رجال الکشی). مشهد: دانشگاه مشهد.
- _____ (۱۴۰۴ق). **الامالی**. قم: دارالثقافه.
- _____ (۱۴۱۱ق). **الغیبه**. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- _____ (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق احمد قصیر عاملی. بیروت: دار التراث العربی.

- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). **تفسیر العیاشی**. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: چاپخانه علمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). **تفسیر قمی**. تحقیق طیب موسوی جزایری. قم: دارالکتاب.
- کراچکی، محمد بن علی (۱۳۹۴ق). **معادن الجواهر**. تهران: کتابخانه مرتضویه.
- _____ (۱۴۱۰ق). **کنز الفوائد**. قم: انتشارات الذخائر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱ق). **الفروع من الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۶۵ش). **اصول کافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۶۵ش). **الروضه من الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کمره‌ای، خلیل (۱۳۵۱ش). **آراء ائمه الشیعہ فی الفلاح**. چاپ افست حیدری.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). **تفسیر فرات**. بی‌جا: مؤسسه چاپ و نشر.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹ق). **اثبات الوصیه**. بیروت: دارالاضواء.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۴ق). **المالی**. قم: کنگره شیخ مفید.
- _____ (۱۴۱۳ق). **تصحیح اعتقادات الامامیه**. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- _____ (۱۴۱۶ق). **اختصاص**. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- _____ (۱۳۷۶ش). **الارشاد**. تهران: اسلامیه.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۲ش). **غمیبت**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- Strauss, A. & J. Corbin (1998). *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*. 2nd ed. Los Angeles, Calif: Sage Publication.